

مقالات و بررسیها، دفتر ۷۲، زمستان ۸۱، ص ۲۸۹-۳۰۲

صفر و سفر

نگاهی دیگر به تاریخ وفات پیامبر(ص)*

عبدالوهاب شاهرودی

دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده:

در این پژوهش، ابتدا آرای مورخان در باب روز و ماه وفات رسول اکرم، براساس تقدم و تأخر ارائه می‌شود و سپس با یادکرد دیدگاه اهل تسنن و تشیع در این زمینه و بررسی «وقایع هفت گانه» مؤثر در تعیین وفات و دقت در اقوال - با توجه به «مسلمات خاصه و عامه» و رسم جدول زمان شمار - سخن به این نکته منتهی می‌شود که قول وفات در «ربیع الاول» قطعی است و در میان دیدگاه‌های سه گانه در این ماه (اول، دوم و دوازدهم ربیع الاول) تاریخ وفات در «دوم ربیع الاول» را با قطعیات تاریخی دو طرف نزدیکتر می‌بیند. سپس روایت: «هر که مرا به رفتن ماه صفر بشارت دهد او را به بهشت مژده دهم» از نظر فقه الحدیث بررسی می‌گردد و آن را از «موضوعات» می‌شمارد. در پایان به این امر اشاره شده است که چرا شیعه، روایت ۲۸ صفر را به عنوان تاریخ وفات پیامبر (ص) پذیرفته است و نشان می‌دهیم که این قضیه از ابتکار «صفویان» بوده است.

کلید واژه‌ها: تاریخ وفات پیامبر(ص)، دوشنبه، حجة الوداع، عرفه، غدیرختم، دوازدهم ربیع الاول، بیست و هشتم صفر، دوم ربیع الاول.

*. از استاد ارجمند خویش، جناب آقای دکتر آذرتاش آذرنوش، که از سر لطف و مکرمت پیش نویس این مقاله را خواندند و برای سامان آن، نکته‌ها یادآور شدند، و آن را به کمال و سپس به خلعت چاپ رساندند قلباً سپاس و تشکر می‌نمایم.

مقدمه

سخن در باره تاریخ وفات پیامبر اکرم (ص) - چنان که خواهیم دید - تنها پژوهشی تاریخی، علمی نیست و گذشته از تعیین تاریخ دقیق وقایع، دارای نتایج فقهی نیز هست. به عنوان مثال، اگر روشن شود که روز عرفه در حجة الوداع مقارن با روز جمعه بوده است و چون رسول اکرم (ص) در عرفه، نماز ظهر گزارده‌اند، معلوم می‌گردد که نماز جمعه، در موسم حج واجب نیست. یا اگر ثابت شود که واقعه غدیر خم در روز جمعه بوده است، چون در آن روز نماز ظهر خوانده‌اند، اثبات می‌شود که نماز جمعه در سفر، واجب نیست و مخصوص حضر است.

اینک به بررسی و دسته‌بندی دیدگاه‌های مختلف پیرامون این موضوع می‌پردازیم:

الف - روایات در مورد تاریخ وفات

در باره تاریخ وفات پیامبر (ص) اقوال گوناگونی وجود دارد که مشهور و مشترک آنها را یاد می‌کنیم:

طبق روایات صحیح از اهل بیت (ع) و بنابه نظر اکثر مورخان، وفات پیامبر اکرم (ص) در روز «دوشنبه» رخ داده است. از جمله این افراد در نیمه سده دوم می‌توان به ابن اسحاق (د ۱۵۳ق. نک: سیره، ۱/۱۱۱۲-۱۱۰۹) و در سده سوم به واقدی (د ۲۰۷ق. نک: مغازی، ۳/۱۱۲۰)، ابن سعد کاتب واقدی (د ۲۳۰ق. نک: طبقات، ۲/۱۹۰-۱۹۱)، ابن خیاط (د ۲۴۰ق. نک: تاریخ، ۴۶) و یعقوبی (د ۲۹۲ق. نک: تاریخ، ۱/۵۰۹) اشاره کرد. در سده چهارم و پنجم نیز طبری (د ۳۱۰ق)^۱، شیخ کلینی (د ۳۲۹ق. نک: کافی، ۱/۵۰۶)، شیخ مفید (د ۴۳۰ق. نک: ارشاد، ۱۰۱) و شیخ طوسی (د ۴۶۰ق. نک: امالی، ۱۰۱) بر وفات پیامبر اکرم (ص) در روز «دوشنبه» متفق القول می‌باشند. در دورانهای متأخرتر،

۱. از ابی مخنف (د ۱۵۷ق) چشم پوشیدیم چرا که روایات او در تاریخ طبری می‌آید و نیز: ابن هشام (د ۲۱۸ق)، السیره النبویه، الجزء الرابع، صص ۳۰۳ - ۳۰۴.

۲. از ابو محمد سائب کلبی و وی نیز از ابومخنف (د ۱۵۷ق) نقل می‌نماید، نک: جلیل تازی «صحت و سقم مرویات ابو مخنف در تاریخ طبری» رساله دوره کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی، مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم، ۱۳۷۹، صص ۶۲-۷۳. و نیز: طبری، ۲/۲۳۲.

کسانی مانند سهیلی (۵۸۱د.ق. نک: الروض، ۴/۲۷۰)،^۱ ابن شهر آشوب (۵۸۸د.ق. نک: مناقب، ۱/۱۷۶)، ابن اثیر (۶۰۴د.ق. نک: کامل، ۲/۱۹)، اربلی (۶۹۲د.ق. نک: کشف الغمّة، ۲/۱۶ - ۲۰)، ابن خلدون (۸۰۷د.ق. نک: عبر، ۲/۸۵۱)، برهان الدین شافعی (۱۰۴۴د.ق. نک: انسان، ۳/۳۹۱) و محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱د.ق. نک: بحار، ۲۲/۵۸۷) همه بر دیدگاه یاد شده - «روز دوشنبه» - وحدت نظر دارند.

مشهورترین نظر در میان مورخان و دانشمندان اهل تسنن، روز «۱۲ ربیع الاول» است همچنان که ابن اسحاق، واقدی، ابن سعد، ابن قتیبہ، مسعودی (احتمالاً شیعی مذهب)، ابن عبدالبر، شافعی و دیگران^۲ آن را پذیرفته‌اند.

حسن بن موسی نوبختی، از قدمای متکلمین امامیه، وفات پیامبر (ص) را در ماه ربیع الاول دانسته است بدون این که روز آن را مشخص نماید و نیز مولانا ذیل روایت: «من بشرنی بخروج صفر بشرته بالجنة»^۳ بدون تردید وفات پیامبر اکرم (ص) را در ماه ربیع الاول می‌داند (مثنوی، دفتر چهارم، ص ۳۸۸) و می‌گوید:

احمد آخر زمان را، انتقال در ربیع اول آمد، بی جدال
چون صفر آمد بشد شاد از صفر که پس این ماه می‌سازم سفر
مجموعه این دیدگاه‌ها را - از قرون دوم تا دوازدهم - که تا به امروز تغییری در آن راه نیافته، دیدیم که همه بر دوشنبه بودن روز وفات نبوی تکیه دارند.

ب - جمع بندی اقوال درباره روز وفات

۱- امامیه، روز وفات پیامبر (ص) را «۲۸ صفر» دانسته‌اند؛ شیخ مفید، طوسی، ابوالفتح رازی، طبرسی، راوندی و اربلی از جمله بزرگانی‌اند که بر آن تأکید کرده‌اند.

۱. گرچه از نظر ابن قتیبہ، که وفات را چهارشنبه می‌داند، دفاع می‌نماید ولی نسخه چاپی المعارف، این روز را دوشنبه می‌داند (معارف، ۱۶۵).

۲. کلینی در الکافی و رستم طبری در دلائل الامامة تحت تأثیر عامه بوده‌اند.

۳. روایت موضوع است و باشومی ماه صفر ارتباط ندارد، نک: بدیع الزمان فروزانفر، احادیث مثنوی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۵، صص ۱۳۰-۱۳۱. و نقل را به گونه: فمن بشرنی بخروج آذار فله الجنة بنگرید در: علی اکبر غفاری. تلخیص مقیاس الهدایة، تهران، ۱۳۶۹، ص ۲۴۶.

۲- عروة بن زبیر^۱ و زهری^۲ این روز را «اول ربیع الاول» ذکر کرده‌اند و ابو نعیم و ابن عساکر و خوارزمی نیز آن را نقل کرده‌اند.

۳- هشام کلبی^۳ به نقل از ابومخنف^۴ «دوم ربیع الاول» را تاریخ وفات می‌داند و بسیاری مانند واقدی، یعقوبی، طبری - در یک روایت - و ابن خلدون، آن را پذیرفته‌اند و تنها این قول از ائمه اهل بیت (ع) رسیده است (شیری، ص ۴).

آرای ضعیف دیگری نیز یاد کرده‌اند که تنها به یادکرد آنها بسنده می‌کنیم. این اقوال عبارتند از: ۸، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۸ و ۲۲ ربیع الاول (بلاذری، ص ۲۴۴) و نیز ۲ صفر (ابن شهر آشوب، ۱/۱۷۶). حال امور دیگری وجود دارد که می‌توان از آنها در تعیین وفات پیامبر (ص) یاری جست و آن مشترکات و مشهورات فریقین است و در اینجا از روش «قرینه سازی تاریخی» جهت نزدیکتر شدن به قول قطعی، بهره برده می‌شود. این امور عبارتند از:

۱- خارج شدن پیامبر برای حجة الوداع، و آن روز پنجشنبه یا شنبه بوده است (واقدی، ۳/۱۱۲۰).

۲- روز ترویبه (هشتم ذیحجة)، که آن را در روز جمعه سال دهم دانسته‌اند (ابن کثیر، ۵/۱۲۹ و ۱۹۵).

۳- روز عرفه، که آن را در روز جمعه قلمداد کرده‌اند و ظاهراً این روایت درست نمی‌باشد (بخاری، ۱/۱۲۸).

۴- روز غدیر، که برخی آن را پنجشنبه و گروهی روز جمعه گرفته‌اند (صدوق، خصال، ۱/۳۹۴).

۵- فترت بین نزول آیه اکمال و وفات، که فاصله آن را تا روز وفات، ۸۱ روز دانسته‌اند (طبری، ۴/۱۰۶) گرچه اهل سنت نزول آیه را در عرفه، که جمعه است، برشمرده‌اند.

۱. از سران مکتب «مدینه» در تاریخ نگاری (د. ۹۲ق) در طبقه اول سیره نگاری است، نک: صادق آینه‌بوند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران ۱۳۷۷، ۱/۴۳۳-۴۳۷.

۲. از سران مکتب «حجاز» در تاریخ نگاری (د. ۱۲۴ق) در طبقه دوم سیره نگاری، نک: همو، ۱/۴۳۸-۴۴۱.

۳. از سران مکتب «عراق» در تاریخ نگاری (د. ۲۰۶ق)، نک: همو، ۱/۴۸۳-۴۸۹.

۴. از اخباریان مکتب «عراق» با گرایش علوی (د. ۱۵۷ق)، نک: همو، ۱/۴۶۹-۴۷۰.

(طبری، ۱۰۵/۴) و شیعه، نزول نهایی آیهٔ اکمال را در روز غدیر می‌داند (مفید، ۱۷۵/۱). بنابراین از نظر شیعه، مخالفتی در اصل نزول آیهٔ اکمال در روز عرفه نیست ولی نمی‌تواند روز عرفه، در جمعه باشد زیرا با جمعه بودن غدیر ناسازگارست.

۶- دستور پیامبر اکرم (ص) به جیش اسامه، برای آماده شدن در جنگ با رومیان به قول واقدی، در روز دوشنبه ۲۶ صفر، سال ۱۱ صادر شده است (واقدی، ۸۵/۳) و اگر از این طریق، حوادث را دنبال کنیم به سبب کمتر بودن فاصله تا وفات، زودتر به حقیقت می‌رسیم و واقدی، و بوئزه ابن سعد (۱۹۱/۲-۱۹۲)، روز شمار و جزئیات این لحظه‌ها را دقیقاً ارائه کرده‌اند.

۷- شروع بیماری پیامبر (ص) و مدت آن

برخی، تاریخ بیماری را روز چهارشنبه ۱۹ صفر سال یازدهم یاد کرده‌اند (ابن سعد، ۱۹۱/۲) و برخی دیگر، آخر صفر را شروع بیماری پیامبر اکرم (ص) قلمداد کرده‌اند (واقدی، ۸۵۴/۳) ولی مدت بیماری در هر دو روایت ۱۳ روز یاد شده است که براساس روایت اول، وفات در «دوم ربیع الاول» و بر مبنای دیگر «۱۲ ربیع الاول» واقع می‌گردد و مدت بیماری براساس دو روایت ۱۰ یا ۱۳ روز می‌شود.

سلمیان بن طرخان تمیمی، شروع بیماری را روز شنبه ۲۲ صفر و وفات را در «دوشنبه ۲ ربیع الاول» و بیهقی (۲۳۴/۷) نیز مدت بیماری را ده روز دانسته‌اند این سخن خالی از تناقض، و لازمهٔ آن ناتمام بودن ماه صفر است (شیری، ص ۷).

۸- روز وفات

یقینی‌ترین امر در تشخیص تاریخ وفات پیامبر (ص) این نکته است که همه روز دوشنبه را، روز وفات دانسته‌اند که در ابتدای پژوهش بدان اشاره شد و اگر بر این مورد تکیه شود، دیگر روایات و اقوال - که غیر روز دوشنبه است - به کنار خواهند رفت. طبری (۲۳۲/۲) هم که مورد تأیید همگان است وفات، را روز دوشنبه می‌داند. ابن سعد (۲۷۲/۲-۲۷۴) در کتاب خود، یازده روایت در این مقوله یاد می‌کند که در مجموع کمترین تردیدی در این امر باقی نمی‌گذارد. حال با توجه به مشهورات هشت‌گانهٔ یاد شده، به بررسی اقوال اهل سنت، در این باره می‌پردازیم:

قول اول: وفات در اول ربیع الاول

برخی مانند عروة بن زبیر و شهاب زهری، (مسعودی، ۳/۲۸۰) اول ربیع الاول را روز وفات پیامبر یاد کرده‌اند و سهیلی (۷/۵۷۹) آن را درست‌تر از دوم ربیع الاول می‌داند. در این فرض، ماه ذیقعدۀ ناتمام، ذیحجۀ کامل و ماههای محرم و صفر ناتمام خواهند بود که از این بابت مشکلی پیش نمی‌آید. نیز روز عرفه در جمعه و وفات پیامبر (ص) در روز دوشنبه قرار می‌گیرد و فاصلهٔ نزول آیهٔ اکمال در عرفه، تا وفات پیامبر (ص)، ۸۱ روز می‌شود. بدیهی است که برحسب کمال یا نقصان یکی از این ماهها، تاریخ دوم ربیع الاول برای وفات بدست می‌آید. البته شهر مکه و مدینه از نظر موقعیت جغرافیایی، افق یکسان دارند و اختلاف آنها کمتر از یک درجه است و این مقدار در رؤیت هلال اختلاف چندانی پدید نمی‌آورد (نک: جدول شمارهٔ ۱).

جدول شمارهٔ (۱)

ایام هفته	ذیقعدۀ	ذیحجۀ	محرم	صفر	ربیع الاول
شنبه	۲۵	۳ ۱۰ ۱۷ ۲۴	۱ ۸ ۱۵ ۲۲ ۲۹	۷ ۱۴ ۲۱ ۲۸	۶
یکشنبه	۲۶	۴ ۱۱ ۱۸ ۲۵	۲ ۹ ۱۶ ۲۳	۸ ۱۵ ۲۲ ۲۹	۷
دوشنبه	۲۷	۵ ۱۲ ۱۹ ۲۶	۳ ۱۰ ۱۷ ۲۴	۹ ۱۶ ۲۳	۸ ۱
سه‌شنبه	۲۸	۶ ۱۳ ۲۰ ۲۷	۴ ۱۱ ۱۸ ۲۵	۱۰ ۱۷ ۲۴	۹ ۲
چهارشنبه	۲۹	۷ ۱۴ ۲۱ ۲۸	۵ ۱۲ ۱۹ ۲۶	۱۱ ۱۸ ۲۵	۱۰ ۳
پنج‌شنبه		۱ ۸ ۱۵ ۲۲ ۲۹	۶ ۱۳ ۲۰ ۲۷	۱۲ ۱۹ ۲۶	۱۱ ۴
جمعه		۲ ۹ ۱۶ ۲۳ ۳۰	۷ ۱۴ ۲۱ ۲۸	۱۳ ۲۰ ۲۷	۱۲ ۵

قول دوم: وفات در دوم ربیع الاول

بسیاری از مورخان از جمله واقدی (۳/۱۱۲۰)، یعقوبی (۱/۵۰۹) و سهیلی (۴/۲۷۰) بر دوم ربیع الاول تکیه کرده‌اند و این قول در روایت ابو مخنف نیز بیان گردیده است. با توجه به مبانی اهل بیت (ع)، در صورتی این نظر موجه می‌گردد که تمام ماههای چهارگانهٔ

ذیقعدہ، ذیحجہ، محرم و صفر، ناتمام باشند. این قول، گرچه مشکلات قول ۱۲ ربیع الاول را ندارد ولی نقصان متوالی چهار ماه، بعید و بلکه ممتنع است (نک: جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲)

ربیع الاول		صفر					محرم					ذیحجہ				ذیقعدہ	ایام هفته
	۷	۲۹	۲۳	۱۵	۸	۱	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۵	شنبه	
	۸	۱	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۶	یکشنبه	
	۹	۲	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۷	دوشنبه	
	۱۰	۳	۲۴	۱۷	۱۰	۴	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۸	سه شنبه	
	۱۱	۴	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۹	چهارشنبه	
	۱۲	۵	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	پنج شنبه	
	۶		۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	جمعه

قول سوم: وفات در ۱۲ ربیع الاول

مشهورترین قول نزد عامه، ۱۲ ربیع الاول است و بسیاری از مورخان مانند واقدی، ابن خیاط (ص ۴۶)، مسعودی (۳/۲۸۰)، ابن اسحاق، ابن کثیر (۵/۲۷۶) آن را اختیار کرده‌اند و از عالمان شیعی نیز، کلینی (۱/۵۰۶) و رستم طبری (ص ۱۱۵) با آنان موافق‌اند.

با عنایت به امور مسلم و مشهور نزد اهل سنت، زمانی این قول امکان‌پذیر است که ماههای چهارگانه، کامل (سی روز) باشند، و این غیر ممکن است و بر فرض که چنین باشد باز وفات در روز دوشنبه قرار نمی‌گیرد و تنها زمانی این امر ممکن است که رؤیت هلال در مکه و مدینه اختلاف داشته باشند (یعنی: اهل مدینه یک روز دیرتر هلال ماه ذیحجه را رؤیت کنند) که این امر، با توجه به اختلاف کمتر از یک درجه، میان دو شهر غیر علمی و غیر عرفی است، و از طرفی طبق این نظر، فاصله بین نزول آیه اکمال در

عرفه و وفات، ۹۲ روز خواهد بود.

به هر صورت این قول مشهور، پایه و اساسی ندارد و با دیگر مسلمات در تعارض است (نک: جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳)

ربیع الاول			صفر				محرم				ذیحجه				ذیقعدہ	ایام هفته	
۱۰	۳		۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۵	شنبه
۱۱	۴		۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۶	یکشنبه
۱۲	۵		۲۸	۲۱	۱۴	۷	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۷	دوشنبه
	۶		۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۸	سه شنبه
	۷		۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۹	چهارشنبه
	۸	۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۳۰	پنجشنبه	
	۹	۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱		جمعه

حال اقوال مختلف را با توجه به مبانی تشیع بررسی می‌کنیم:

قول اول: وفات ۲۸ صفر

دیدگاه مشهور نزد شیعه این است که وفات پیامبر(ص) در روز ۲۸ صفر روی داده است. شیخ مفید (ص ۱۰۱) و شیخ طوسی (التهذیب، ۲۵/۳) طرفدار این قول اند و این نظر که مورد پذیرش عموم عالمان شیعه قرار گرفته، در حقیقت در اعصار متأخر شهرت یافته است، و قبل از شیخ مفید، در جایی تصریح نشده است و نیز با روایت صحیحه از امام صادق(ع) نیز سازگار نیست (شبییری، ص ۱۱) و با نظر عامه نیز تعارض دارد و هیچ روایتی در نظر آنان، در این مورد، از ائمه(ع) نرسیده است و این بیانگر صحت نظر وقوع رحلت نبوی در ماه ربیع الاول است و از این بابت است که مرحوم علامه محمد تقی تستری (شبییری، ص ۱۱) از این قول مشهور شیعه روی برتافته و به این نظر - که وفات در ماه ربیع الاول است - گراییده‌اند. ایشان می‌گویند: «ما به کسی که پیش از شیخ مفید به این

قول - وفات در ۲۸ صفر - گرویده باشد، برخوردار نکرده ایم و متأخران نیز در دیدگاههای فقهی و غیر آن، تابع مفید و شیخ طوسی هستند چنان که شیخ (قده) غالباً تابع استادش مفید (ره) می باشد.

حقیقت این است که جلالت و عظمت شیخ مفید در بسیاری از موارد سبب گردیده است که نظری مورد قبول دیگر عالمان امامیه افتد به گونه ای که از آرای او به «ارسال مسلمات» یاد می کنند. ابن ادریس صاحب کتاب السرائر (۱/۲۲۵) دانشمندان پس از شیخ طوسی تا زمان خود را «مقلده» می خوانده است و از این رو طبیعی است که گاه اشتباهات شیخ طوسی به سایر دانشمندان امامی نیز سرایت کرده باشد.

به هر حال این قول - وفات در ۲۸ صفر - درست نیست و شاید منشأ خطا آن باشد که اشتباهی در دو روز بعد از هلال ربیع الاول یا دو روز قبل صورت گرفته است چنان که از این اشتباهات در تاریخ ولادت حضرت زهرا (ع) و دیگران نیز وجود دارد یا «یوم الخميس»، همان روز مصیبت که ابن عباس بدان اشاره کرده است (بخاری، ۲/۲۵۰)، با روز وفات اشتباه گرفته شده است. حال اگر پنج شنبه یاد شده روز ۲۸ صفر باشد و ماه نیز کامل، دوم ربیع الاول، دوشنبه می باشد. از همه اینها مهم تر این که دیدگاه بالا با مبانی شیعه سازگاری ندارد زیرا روز غدیر را چه پنج شنبه بدانیم و چه جمعه، در هر دو صورت، ۲۸ صفر، هرگز دوشنبه نمی شود و به روز سه شنبه یا چهارشنبه یا پنج شنبه یا جمعه - با توجه به نقصان یا کامل بودن ماه - می افتد و هرگز دوشنبه نمی افتد.^۱

قول دوم: وفات در دوم ربیع الاول

بسیاری از دانشمندان شیعه این نظر را پذیرفته اند و روایات معتبری در تأیید این نظر از اهل بیت (ع) رسیده است (اربلی، ۱/۱۸). برخی آن را به دلیل توافق با دیدگاه عامه، حمل بر تقیه می کنند (قمی، ۱/۱۲۹) که البته درست نیست زیرا که نظر مشهور اهل سنت، ۱۲ ربیع الاول است. به روایت ابو مخنف (شبییری، ۴) نیز تاریخ وفات پیامبر (ص)

۱. شاید روایاتی در اختیار شیخ مفید (ره) بوده که اکنون از میان رفته اند؛ ولی به احتمال فراوان، قول آنها پذیرفتنی نیست و احتمال دارد در نسخه ها به جای کلمه مضتا، کلمه بقیتا، که به هم نزدیک هستند، ذکر شده باشد و این موجه تر است.

دوم ربیع‌الاول بوده است که هم از جهت اقوال و هم از جهت روایات، دارای مؤیدات محکم می‌باشد. این دیدگاه نه تنها با مشهورات و مسلمات شیعه سازگارست بلکه تنها راه جمع بین این مسلمات و مشهورات به شمار می‌رود چرا که:

- ۱- اگر غدیر خم را روز جمعه بدانیم، که نظر ترجیحی است، با بهترین فرض، دوم ربیع‌الاول، روز دوشنبه می‌شود.
- ۲- خروج پیامبر اکرم (ص) برای حجة‌الوداع، روز پنج شنبه، ۲۵ ذی‌قعدة خواهد بود که با بعضی روایات اهل سنت هم خوانی دارد (بخاری، ۱/۵۲۰).
- ۳- روز عرفه نیز، چهارشنبه خواهد بود که با مبانی شیعه منطبق است ضمن این که غدیر، روز جمعه می‌شود.
- ۴- روز وفات پیامبر اکرم (ص) نیز، دوشنبه خواهد بود.
- ۵- این فرض از جهت نقصان یا کامل بودن ماه، مشکلی ندارد.
- ۶- اگر زمان نزول آیه اکمال را در روز عرفه بدانیم، دقیقاً فاصله آن تا وفات رسول اکرم (ص) ۸۱ روز می‌شود (بدون محاسبه روز عرفه و وفات، که اگر روز وفات نیز محاسبه گردد ۸۲ روز می‌شود که با برخی روایات منطبق است (نک: جدول شماره ۴)

جدول شماره (۴)

ربیع‌الاول	صفر					محرم				ذیحجه				ذی‌قعدة		ایام هفته		
	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱			
	۷		۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۷	۲۰	شنبه
	۸	۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳		۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۸	۲۱	یکشنبه
	۹	۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴		۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۹	۲۲	دوشنبه
	۱۰	۳	۲۶	۱۹	۱۲	۵		۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	۲۳	سه‌شنبه
	۱۱	۴	۲۷	۲۰	۱۳	۶		۲۸	۲۱	۱۴	۷	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۴	چهارشنبه
	۱۲	۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷		۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۵	پنج‌شنبه
	۱۳	۶	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴		۲۶	جمعه

حال اگر روز غدیر خم را، پنجشنبه بدانیم، در صورتی دوم ربیع‌الاول (روز وفات) در

روز دوشنبه قرار می‌گیرد که تمام ماههای ذیحجه، محرم و صفر کامل باشند که این امر بعید به نظر می‌رسد و این یکی از علل ترجیح روز جمعه بر پنجشنبه، برای واقعه غدیر خم می‌باشد (نک: جدول شماره ۵)

جدول شماره ۵

ایام هفته	ذیقعه		ذیحجه				محرم				صفر				ربیع الاول
شنبه	۲۸	۲۱	۶	۱۳	۲۰	۲۷	۴	۱۱	۱۸	۲۵	۲	۹	۱۶	۲۳	۷
یکشنبه	۲۹	۲۲	۷	۱۴	۲۱	۲۸	۵	۱۲	۱۹	۲۶	۳	۱۰	۱۷	۲۴	۸
دوشنبه	۲۳		۱	۸	۱۵	۲۲	۶	۱۳	۲۰	۲۷	۴	۱۱	۱۸	۲۵	۹
سه‌شنبه	۲۴		۲	۹	۱۶	۲۳	۷	۱۴	۲۱	۲۸	۵	۱۲	۱۹	۲۶	۱۰
چهارشنبه	۲۵		۳	۱۰	۱۷	۲۴	۸	۱۵	۲۲	۲۹	۶	۱۳	۲۰	۲۷	۱۱
پنج‌شنبه	۲۶		۴	۱۱	۱۸	۲۵	۹	۱۶	۲۳	۳۰	۷	۱۴	۲۱	۲۸	۱۲
جمعه	۲۷		۵	۱۲	۱۹	۲۶	۱۰	۱۷	۲۴	۳۱	۸	۱۵	۲۲	۲۹	۱۳

نتیجه

از مجموع مباحث گذشته، صحت روایت دوشنبه، دوم ربیع الاول، برای سالروز وفات پیامبر اکرم (ص) اثبات می‌گردد و تمام روایات و نظرات دیگر، آن‌گاه که با روایات صحیح و مسلمات، مقایسه و بررسی گردد، بطلان آنها آشکار می‌گردد (چنان که در جداول ۵ گانه دیدیم) و روایت ابومخنف^۱ - که بسیاری از مورخان پذیرفته‌اند - نیز در این مقارنه پیروز بیرون می‌آید. حال چه شده است که علی رغم تواتر و قطعی بودن مسأله، شیعیان روز ۲۸ صفر را به عنوان روز قطعی وفات نبوی (ص) تلقی کرده‌اند؟ در این باب، مواردی را یادآور شدیم و نیز می‌افزاییم: در ابتدا تصور نویسنده بر آن بود که براساس جمله: «خدا مخالف به العامة فان الرشد فی خلافهم»^۲ به روایتی بی‌پشتوانه استناد شده

۱. نقد روایات ابومخنف را - علی رغم صحت و استواری آنها - بنگرید در: یحیی بن ابراهیم، مرویات ابی مخنف فی تاریخ الطبری، الرياض، ۱۴۱۰ق.

۲. چنان‌که در سالروز قطعی وفات نبوی (ص)، اساس، همان جمله بالاست و این موضوع - مخالفت

است (چنان که گفتیم از سیطرهٔ شیخ طوسی و تمکین علمای بعدی نزد او، نباید غافل بود). اما سرانجام، حقیقت آشکار شد؛ از این قرار که نویسندهٔ کتاب وقایع السنین و الاعوام - که کتابی در سالروز حوادث تاریخ اسلام می‌باشد - ذیل حوادث سال نهصد و پانزدهم نقل می‌کند که: «شاه اسماعیل در این سال، از شیراز متوجه عراق عجم گردید و قاضی محمد کاشی، که منصب صدارت با امارت جمع کرده و حکومت یزد و کاشان و شیراز با او بود، در ماه صفر به سوء اعمال مقتول شد و... در این ماه شاه را عزم بر آن شد که سالروز ولادت پیامبر اکرم (ص) را جشن بگیرد و... و در این سال اعیاد را مشخص نمایند. گفتند: چون ولادت در ماه ربیع الاول است اگر وفات هم در این ماه باشد به هم نزدیک است و... عزم حضرتش بر این مقرر شد که وفات را در ماه صفر قرار دهند و از این تاریخ، سالروز وفات در این ماه قرار گرفت (خاتون آبادی، ص ۴۴۷).

همانطور که ملاحظه می‌کنید روز ۲۸ صفر به عنوان تاریخ وفات منشأ تاریخی و روایی ندارد و از ابتکارات «صفویان» به شمار می‌رود.

کتابشناسی

قرآن کریم

- آیین وند، صادق، علم تاریخ در گسترهٔ تمدن اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- ابن ابراهیم، یحیی، مرویات ابی مخنف فی تاریخ الطبری، الرياض، ۱۴۱۰ ق.
- ابن ابی یعقوب (یعقوبی)، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمهٔ دکتر ابراهیم آیتی، تهران، ۱۳۶۲.
- ابن اثیر، الکامل، بیروت، ۱۹۸۹.
- ابن اسحاق، محمد، السیره النبویه (سیرت رسول الله)، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحق بن محمد همدانی، با مقدمه و تصحیح اصغر مهدوی، تهران، ۱۳۶۱.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد، الخصال، تهران، ۱۳۸۹ ق.
- ابن خلدون، محمد، العبر، بیروت، ۱۹۸۶.
- ابن خیاط، خلیفه، تاریخ خلیفه بن خیاط، بیروت، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۵.



- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵.
- ابن قتيبه، عبدالله، المعارف، قاهره، ۱۹۶۰.
- ابن كثير، محمد، البداية و النهاية، بيروت، ۱۹۸۹.
- ابن هشام، محمد، السيرة النبوية، به كوشش السقا، الايبارى و عبد الحفيظ شلبى، بيروت، بى تا.
- اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الائمة، بيروت، ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱.
- البخارى، محمد، الجامع الصحيح، بحاشية الامام السندى، بيروت، ۱۴۱۹ق.
- بلخى رومى، جلال الدين محمد، مثنوى معنوى، به تصحيح رينولد ا. نيكلسون، به كوشش نصرالله پورجوادى، تهران، ۱۳۶۳.
- البيهقى، ابى بكر، دلائل النبوة، بيروت، ۱۴۰۵ق.
- تارى، جليل، «صحت و سقم مرويات ابو مخنف در تاريخ طبرى»، رساله تحصيلى دوره كارشناسى ارشد رشته الهيات و معارف اسلامى، مركز تربيت مدرس دانشگاه قم، قم، ۱۳۷۹.
- الحسينى خاتون آبادى، عبدالحسين، وقايع السنن و الاعوام، تهران، بى تا.
- الطبرى، محمد بن رستم، المسترشد فى امامة اميرالمؤمنين، قم، ۱۴۱۵ق.
- السهيلى، عبدالرحمن، الروض الانف، قاهره، ۱۳۹۱ق.
- الشافعى، على، انسان العيون فى سيرة الامين و المأمون (السيرة الحلبية)، مصر، بى تا.
- شبيرى، محمد جواد، «تحقيقى در روز وفات پيامبر(ص)»، تحقيقات اسلامى، سال چهارم، قم، ۱۳۶۸ق.
- شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابى طالب، قم، ۱۳۷۸ق.
- الطبرى، محمد بن جرير، تاريخ طبرى، بيروت، ۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۸.
- الطوسى، محمد، الامالى، قم، ۱۴۱۴ق.
- همو، تهذيب الاحكام فى شرح المقنعة، بيروت، ۱۴۱۲.
- العكبى (مفيد)، محمد، الارشاد، بيروت، ۱۳۹۹ق/ ۱۹۷۹.
- غفارى، على اكبر، تلخيص مقياس الهداية، تهران، ۱۳۶۹.
- فروزانفر، بديع الزمان، احاديث مثنوى، تهران، ۱۳۷۰.
- الكلينى، محمد، اصول الكافى، بيروت، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۲.

- مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بيروت، ١٤١٢ق / ١٩٩٢.
- مسعودى، على، التنبيه و الاشراف، قم، ١٣٨٩ق.
- همو، مروج الذهب و معادن الجواهر، بيروت، ١٣٥٨ق.
- واقدى، محمد، المغازى، بيروت، ١٩٨٩؛ ترجمة فارسى مهدوى دامغانى، تهران، ١٣٦٦.